

هو العليم

حج، حقیقت عبودیت

و پرسش و پاسخ راجع به احکام حج

اسرار و احکام حج - مجلس چهارم
پاسخ به پرسش‌های زائران در آستانه تشرّف به حج
۲۱ ذی‌قعدة ۱۴۲۶ هجری قمری

بیانات

آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه



أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وقتی که به بنده فرمودند عده‌ای از رفقا قصد دارند که ملاقاتی بشود. خیلی من اظهار خوش وقتی کردم، و [گفتم] مجلس بسیار مغتنم است و زیارت زوار بیت‌الله اقتضا می‌کند که انسان وقت خودش را و فرصت خودش را [مغتنم بشمارد]؛ زیارت افراد خیلی مغتنم است.

و برای خود بنده هم خیلی موجب خوش وقتی است. منتهی مطالبی که باید خدمت رفقا عرض بشود، عرض شده است. منتهی اگر قرار بر این است که کسی سؤالی داشته باشد، چه راجع به مطالب مربوط به جنبه باطنی و معنوی و روحانی، و چه مسائل شرعی، بنده در خدمت رفقا هستم. و مطالبی را که به نظر قاصر می‌رسد براساس همان کیفیت و ممشایی که از بزرگان نسبت به این مسئله به یاد دارم عرض می‌کنم. و ظاهراً این [سؤالات] هم مطالبی است که راجع به مسائل شرعی و [معرفتی] است که حال به اینها می‌پردازیم.

مغتنم شمردن توفیق زیارت بیت‌الله

از باب مقدمه عرض کنم که: ما باید این توفیقی که نصیب زائرین بیت‌الله می‌شود را مغتنم بشماریم، یعنی مسئله زیارت حج و زیارت بیت‌الله و پس از آن زیارت معصومین علیهم السلام در مدینه - و یا قبل از آن، از این نظر تفاوتی ندارد - یک موهبت الهی است! موهبتی است که واقعاً خداوند نصیب عده‌ای می‌کند. و چقدر مهم است که ما متوجه بشویم که خدای متعال خواسته است یک قدری ما را متوجه کند، یک قدری ما را از این تفکرات اعتباری و تخیلات و توهمات بیرون بیاورد، یک سری هم به جای دیگر بزنیم و ببینیم خبرهای دیگری هم هست.

مسئله و زندگی ما فقط در همین حول و حوش صبح سر کار بیرون رفتن و شب برگشتن و بعد انس با اهل و عیال و شریک و رفیق و زندگی را گذراندن، و در ضمن هم یک نماز و روزه‌ای هم گرفتن و خواندن [نیست] و مسئله فقط به این بر نمی‌گردد! یک مطالب دیگری هم هست، یک عوالم و حقایق دیگری هم هست که خدای متعال خواسته است که اینها را با تغییر و تحول به ما بفهماند.

چون اگر ما در زندگی خودمان بودیم، هیچ وقت اینها را نمی‌فهمیدیم! صبح که از منزل بیرون می‌آیم،

یا به دفتر و کارخانه و مغازه می‌رویم یا به فلان سازمان و اداره می‌رویم؛ تمام آنچه که در حول و حوش ما می‌گذرد، مسائل مُنسیّه و به‌فراوشی‌اندازنده‌ما از آن مطلب اصلی و مسئله حقیقی است! چه کسی مثل شخصی از اولیای الهی پیدا می‌شود که با توجه به این مسائل آن جهت را هم لحاظ کند و بتواند با یک‌دست دو وزنه بردارد. و بتواند در یک حال آن حالت وحدت و حالت انس و حالت ربط را هم حفظ کند؟! کجا چنین چیزی پیدا می‌شود؟!

لذا خدای متعال برای ما راهی قرار داده است، که خود را با جدا کردن از آن محیطی که با او مأنوس هستیم، بتوانیم این جدا کردن ظاهری را مقدمه‌ای برای تغییر و تحولات قرار دهیم؛ از زندگی خود بیرون می‌آییم و وارد جایی و فضایی می‌شویم که همه انبیاء الهی و پیغمبران گذشته در این فضا آمده‌اند. الآن [سفر حج] با این وضعیت و کیفیت و با این نحو از معیشت و پذیرایی وجود دارد، سابق که این‌طور نبود! اگر به سیصد سال پیش برگردیم، به دو‌یست سال پیش برگردیم، در آن موقعی که هیچ‌کدام از وسایل امروزی وجود نداشته است؛ گرمای شصت درجه مکه را در نظر بیاوریم، بدون اینکه پنکه‌ای بوده باشد! باران و بادهای آن موقع را در نظر بیاوریم، بدون اینکه یک وسیله نقلیه و ماشین و وسایل امروزی بوده باشد! مردم چطور بین مدینه و مکه را طی می‌کردند؟ با الاغ و شتر و یا پیاده طی می‌کردند!

الآن مسائل به این کیفیت و به این نحو آسان و سهل است. تمام سختی مکه فقط همان دو سه روزی است که انسان به عرفات و بعد به مشعر و منی می‌رود که آه و ناله او هم به فلک می‌رسد: «ای وای چه شده است! ای داد به کجا رسیده است!» در حالی که در سابق عرفات این‌طور نبود، این درختان و آب نبود، این وضع نبود! مشعر و منی این‌طور نبود! خب ما باید به این مطلب فکر کنیم که خداوند ما را در جایی آورده است که همه انبیا با آن مراتبشان و با آن مسئله و وضعیتشان و با آن شناخت و معرفتشان باز به اینجا می‌آیند، باز می‌آیند و در همین جا طواف می‌کنند.

حج از منظر اهل بیت و اولیای الهی

امام حسن علیه السلام بیست و پنج مرتبه زیارت خانه خدا کرد. و بسیاری از آنها پیاده بود! یعنی حضرت از مدینه تا مکه را پیاده طی می‌کردند، درحالی‌که مرکب جلوی ایشان بود!^۱ خب واقعاً امام چه مسئله‌ای را احساس می‌کند؟ جایی که امام علیه السلام چنین حال و هوایی دارد! امام سجاد با آن وضع پیاده به مکه می‌رفت،^۲ موسی بن جعفر پیاده به مکه می‌رفت و آن حضرت را در بین راه مکه پیاده دیده بودند،^۳ امام

۱. مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۴.

۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

رضا علیه السلام و سایر ائمه همین طور؛^۱ خود رسول خدا پس از آمدن از مکه فرمودند:
چون مرا از مکه بیرون کردند دیگر به عنوان خانه و سُکنی نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل
بکنم!

و این معنا، خیلی معنای عجیبی است که پیغمبر می‌فرماید: «چون مرا از مکه بیرون کردند دیگر به عنوان
خانه و سُکنی نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل بکنم! حضرت چندمرتبه به حج آمدند؛ حضرت بعد از
آمدن به مدینه چندمرتبه به مکه آمدند که آخرین آن همین حجّة‌الوداع بود که مأمور به نصب ولایت برای
امیرالمؤمنین علیه السلام شدند!^۲ حالا خداوند توفیق داده است که ما به چنین جایی مشرف شویم.

کنار گذاشتن همه تعینات و تعلقات

بنابراین اول چیزی که باید ما در نظر بگیریم این است که فکر خود را از ارتباط با آن محیط بیرون بیاوریم
و هرچه بیشتر بیرون بیاوریم بیشتر کاسی کرده‌ایم! اما اگر بلند شویم و بیرون بیاییم و مدام صبح، عصر، شب
تلفن کنیم، فردا تلفن کنیم، نه! دیگر از آن محیط بیرون آمده‌ایم؛ بنده نمی‌گویم که انسان قطع کند، نه! گاهی
تلفن بزند و اشکالی ندارد، بالأخره برای آنها تجدید خاطراتی می‌شود، برای افراد موجب انبساطی می‌شود؛ اما
باید فکر آزاد باشد! خدا دوست ندارد کسی که به زیارت خانه او می‌رود، فکرش را هم با آن تعلقات با خودش
بیاورد و همراه با آن تعلقات طواف کند و در لیبکی که می‌گوید تعلقات باشد! وقتی که ما از منزل بیرون می‌آییم
باید بگوییم: خدایا ما آمده‌ایم، دیگر هرچه در کاسه ما ریختی، ریختی! دیگر ما جدا شده‌ایم، دیگر از آن شراکت
جدا شده‌ایم.

لباس احرام نمادی از رفع تعلقات

لباس احرام حکایت از همین مطلب می‌کند و همین طوری نیست که ما لباس را در بیاوریم و لباس احرام
پوشیم! خب خدا می‌گفت با همین کت و شلوار و یا با همین عبا و قبا هم می‌توانی مُحَرَّم بشوی و منظور نیت
است! نه، منظور خدا در اینجا این است که واقعاً بیرون بیاییم، واقعاً جدا بشویم، لباسمان را هم بکنیم و دور
بیندازیم، این لباس به درد اینجا نمی‌خورد! و اگر می‌شد که انسان برهنه لیبیک بگوید، خدا همین احرام را هم
برمی‌داشت! همین احرام را هم برمی‌داشت و همین مقدار تقید هم برمی‌داشت! ولی خب دیگر این نمی‌شود.
لذا خداوند آمده و همه تعینات را در اینجا برداشته است؛ گفته است مرد باید احرام بپوشد، اما لباس
احرام زن فرق می‌کند؛ جمال و ارزش زن در چهره او تبلور پیدا می‌کند، باید این چهره نمودار باشد و نمی‌تواند

^۱ رجوع شود به الکافی، ج ۱، ص ۷۲ و ج ۴، ص ۲۴۴ - ۲۵۲ و ۵۳۲؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵ - ۱۸ و ۱۳۵ و ۲۲۵ و ۲۲۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۱۷؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۹.

^۲ رجوع شود به الکافی، ج ۴، ص ۲۴۴ - ۲۵۲.

پوشانند! بعضی از این مقدّس‌ها هستند که در آنجا می‌آیند و روی خودشان را می‌پوشانند! نه‌خیر، این غلط است و باطل است؛ باید چهره زن پیدا باشد.^۱ مرد وظیفه ندارد و حرام است نگاه کند، اما نه‌اینکه زن [روی خود را بپوشاند!] یا بعضی‌ها می‌آیند و چیزی جلوییشان می‌گذارند که آن چهره مشخص نباشد! این هم باطل است و این هم غلط است. مقدّس‌مآبی در اینجا راه ندارد، انسان باید دینی را برگزیند که او اختیار می‌کند، ما دیگر نباید کاسه داغ‌تر از آش بشویم، او می‌گوید باید چهره را نشان بدهی! مرد وظیفه ندارد نگاه کند و اگر نگاه کند کار حرام انجام داده است و آن به‌جای خود! بله، زن می‌تواند صورت خود را برگرداند و این اشکال ندارد؛ وقتی می‌بیند که [مورد] توجه مردها است یا ممکن است در جایی [مورد توجه قرار بگیرد]، می‌تواند صورت را برگرداند یا سر را پایین بیندازد. اما اینکه بخواهد بپوشاند نه‌خیر! مطلب به این کیفیت نیست. خلاصه خدا در اینجا گفته است: از خودت دین درست نکن! آن دینی را که من گفته‌ام، همان را انجام بده!

نقد فتوای بطلان طواف مستحب

من در بعضی از این رساله‌های عملیه خوانده‌ام که گفته‌اند:

طواف مستحب انجام ندهید، چون ممکن است در حین طواف بین زن و مرد تماس پیدا بشود و تماس حرام است! بنابراین طواف مستحب باطل است و باید انسان به همان طواف واجب اکتفا کند.

نه‌خیر! این فتوا باطل است و هیچ صحّت ندارد و هیچ منبع شرعی ندارد و من درآوردی است و انسان باید در آنجا طواف کند؛ اگر تماس حرام است، دیگر فرقی بین واجب و مستحب ندارد و خدا باید طواف واجب را هم بردارد! انسان باید طواف کند، مستحب است؛ هزار بار، ده‌هزار بار، صد‌هزار بار، هرچه بود! اگر تماس پیدا شد، شد؛ و اگر تماس پیدا نشد، نشد؛ ما نباید در آنجا خود را در معرض تماس قرار دهیم. اینکه خصوص زن باید کنار برود، تفاوت نمی‌کند! در آنجا بین مرد و زن فرق نمی‌کند؛ اگر تماس برای زن حرام است، برای مرد هم حرام است و هیچ فرقی نمی‌کند.

دیدگاه علامه طهرانی در باره طواف حرم امام رضا علیه السلام

یکی از مسائلی که مرحوم آقا راجع به اینکه حرم امام رضا را بستند می‌فرمودند [این بود]:

این کار غلط است. باید افراد دؤر حرم امام رضا طواف کنند؛ حال اگر به همدیگر برخورد می‌کنند، برخورد نکنند! نباید توجه داشته باشند؛ نه‌اینکه بیایند و حرم را ببندند به نحوی که جلوی طواف گرفته شود!

این را چه کسی می‌فهمد؟ آن کسی که ولیّ خدا است و می‌داند در اینجا چه خبر است! اگر قرار بر این است که شیطان باشد، شیطان هم در حرم امام رضا است و هم در مکه است، در همه‌جا هست. این پول‌هایی

^۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۹۳ - ۴۹۵ و ۵۰۵؛ ج ۱۳، ص ۴۲۱.

که سُرّاق^۱ از جیب‌ها در حرم می‌زنند، برای چیست؟! به خاطر شیطان است دیگر! این نگاهی که ممکن است در حرم نسبت به یک نامحرم بیفتد برای چیست؟! به خاطر وسوسه شیطان است!

نباید بگوییم چون اینجا حرم امام رضا است پس اینجا شیطان نیست! نه خیر، شیطان آنجا هم هست، شیطان آنجا هم می‌آید و حضور خودش را رسماً اعلام می‌کند؛ در کعبه هم همین‌طور است، در مسجدالحرام هم همین‌طور است، در مسجدالنبی هم همین‌طور است، همان شیطان می‌رود جلو می‌ایستد و نماز می‌خواند و همه هم به او اقتدا می‌کنند! این‌طور نیست؟ معاند و دشمن امیرالمؤمنین امام جماعت می‌شود و بعد هم بقیه به او اقتدا می‌کنند؛ این شیطان است دیگر! اصلاً به تمام قیافه او نگاه کنی، شیطنت می‌بارد و کدورت و ظلمت سراپای وجود آنها را گرفته است و انسان غیر از لقلقه لسانی چیزی از آنها مشاهده نمی‌کند. این به خاطر این است که دست آنها از امیرالمؤمنین کوتاه است، از ولایت کوتاه است؛ به دنبال هوای دنیا است. بدبختی دنیا و آخرت را برای خودشان خریده‌اند!

بنابراین انسان نباید به این مطالب توجه کند. انسان می‌تواند طواف را همه‌وقت انجام بدهد و بین مستحب و واجب فرق نمی‌کند؛ منتهی نباید توجه بکند، باید انسان در موقع طواف ذکر بگوید، توجه به کعبه داشته باشد، توجه به الله داشته باشد، اصلاً ذهنش را نباید بیاورد که الآن کنار و جلو و عقب او کیست و با چه کسی طواف می‌کند! اصلاً نباید این مطالب در ذهن بیاید.

مسئله اساسی این است که ما از تمام افکار بیرون بیاییم و نیاز نیست که به خدا فکر کنیم، همین قدر فکر نداشته باشیم و فکرمان جای دیگر نباشد، خدا خودش در آنجا می‌آید! مدام به خدا فکر کردن فایده‌ای ندارد، نتیجه ندارد، ما می‌خواهیم به چه چیز خدا فکر کنیم؟ چیزی ندارد! خدا می‌گوید خودت را از تعلقات بیرون بیاور من به جای آن وارد می‌شوم! پس ما در مکه، در اعمال و در موارد مختلف [باید خود را از تعلقات بیرون بیاوریم!] البته حالات در عرفات و [جاهای دیگر] تفاوت پیدا می‌کند. همان‌طور که بنده عرض کردم رفقا توجه کنند و با توجه به نوارهایی که راجع به این مسئله است،^۲ اگر مطلبی بود و به نظرشان رسید، مسئله را بفرمایند.

آنچه که در موقع احرام و در موقع طواف و در مسجدالحرام و به‌طور کلی، در یک بینش کلی برای یک زائر بیت‌الله مهم است، این است که دیگر در آنجا واقعاً برای خود حساب باز نکند! از این حساب‌هایی که در این دنیا بوده و توقعاتی که در نفس خود پرورانده و با آن توقعات زندگی کرده است؛ توقع دارد به او سلام کنند، توقع احترام دارد، توقع دارد وقتی که می‌آید بلند شوند و به او جا بدهند تا بنشینند، توقع دارد وقتی که

۱. دزدان. (محقق)

۲. رجوع شود به نرم‌افزار آوای ملکوت، جلسات اسرار و مناسک حج.

می‌آید، راه را باز کنند؛ واقعاً تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار بگذارد! اولیای الهی و سُلَاک و زائرین واقعی بیت‌الله بودند که [تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار گذاشتند].

خدمت کردن مرحوم شیخ محمد بهاری به زوار بیت الله

در سفری که مرحوم آقا شیخ محمد بهاری رفته بود، ایشان به گونه‌ای در کاروان بود که تا آخر سفر کسی نفهمید که این آقا شیخ محمد بهاری است! به زوار خدمت می‌کرد، برای آنها چایی می‌آورد و...؛ مرحوم آقا شیخ محمد دیگر! از شاگردان معروف آخوند ملاحسینقلی همدانی! تمام وقتی که ایشان در مکه بود، آن‌طور بود، مثل یک آدم معمولی، همین لباس عربی می‌پوشید، بدون اینکه عمامه‌ای بگذارد و توجه شخصی نسبت به او جلب شود، مثل یکی از افراد می‌رفت آب می‌آورد، می‌رفت برای شستشوی افراد آب می‌آورد و در کارها کمک می‌کرد. همه افراد کاروان خیال می‌کردند که ایشان یک آدم عادی و مثل بقیه افراد است، می‌خواهد برای خدا خدمت کند؛ وقتی که تمام شد و ایشان هم به نجف آمد، بعضی از آن افراد دیدند که عجب! اصلاً بهشتیان برد که چطور در تمام این مدت کسی نفهمیده بود که این چه شخصیتی است! ببینید، انسان باید این‌طور احرام ببندد، خدا این‌طور زائری می‌خواهد! اما اگر انسان بخواهد با همان توقعات و با همان تفکرات و با همان نیت‌ها حج انجام بدهد، نصیب او کم خواهد بود.

برخی دستورات عملی‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از سفر حج

پرهیز از صحبت زیاد با دیگران

رفقا با افراد خیلی صحبت نکنند، با افراد عادی خیلی حرف نزنند؛ مردم همیشه در حال خودشان هستند و خودتان خواهید دید و دیده‌اید که در مکه هم که شده است چه حرف‌هایی می‌زنند! در جلساتشان چه مطالبی می‌گویند، مردم به چه مطالب پوچی گرفتار هستند و سر چه مطالبی با هم دعوا دارند! واقعاً خیلی حیف است که انسان این چند روز را بخواهد با صحبت با اغیار برای خودش دردسر درست کند و از سهم خود کم بگذارد؛ اگر می‌خواهید صحبت بکنید، با خودتان صحبت کنید، لازم نیست از مسائل مختلف و جریان‌ها و مسائل اجتماعی و مطالب مختلف بگویید، سرتان به کار خودتان باشد، از آن فرصت‌هایی که برای شما پیدا شده است استفاده کنید؛ متوجه هستید چه می‌خواهم عرض کنم؟!

مواظبت بر وقوف در عرفات

شب عرفه را قدر بدانید، صبح که می‌شود بلند شوید و بروید جایی و گوشه‌ای برای خودتان بنشینید و به گناهان و به خطاها و به لغزش‌ها [فکر کنید؛] روز عرفه خیلی مهم است! خیلی مهم است! بروید گوشه‌ای برای خودتان [بنشینید] بدون اینکه با این و آن صحبتی کنید و مسائل مختلف وقت شما را بگیرد و حال شما را از بین ببرد؛ خودتان را باید از آن روز برای بعد از ظهر عرفه آماده کنید، باید از صبح آن روز آماده کنید،

نگذارید افکار مختلف بیاید و شما را از آن حال و هوا در بیاورد! روز، خیلی روز مهمی است؛ همه چیز روز عرفه است و در روایت داریم:

«**الحجُّ عَرَفَةٌ؛** ۱ اصلاً تمام حج روز عرفه است!»

متوجه حساسیت حال و هوا و زمان و مکان باشیم و ادعیه‌ای که در آنجا وارد است و انسان می‌تواند به ادعیه بپردازد؛ اگر حال دعا خواندن ندارد برود یک گوشه بنشیند و فقط فکر کند، فقط به خودش مشغول باشد، به رحمت پروردگار نگاه کند، به عظمت پروردگار نگاه کند، به ناچیزی خودش نگاه کند، به این همه درد و مصیبت و گرفتاری که برای خودش درست کرده است و برای او درست کرده‌اند نگاه کند! بگوید: خدایا من واقعاً می‌خواهم دیگر از این گرفتاری بیرون بیایم، نمی‌خواهم وقتی که از مگه برمی‌گردم فرد سابق باشم، می‌خواهم یک فرد جدید و با یک روحیه جدید باشم؛ خدا هم او را کمک می‌کند! راست بگوییم، صدق داشته باشیم، خدا کمک می‌کند.

مگر همین امروز نفرمودند! ابن سَمَّاک به آن شخص می‌گوید:

[خدای متعال می‌فرماید:] کسی که یک وجب به سمت من بیاید و به سمت من اقبال کند، من ده وجب به سمت او می‌آیم!^۲

کسی که اقبال نکند، ما هم اقبال نمی‌کنیم؛ ما این قدر افراد خلق کرده‌ایم که به سراغ آنها برویم و دست آنها را بگیریم! خیال نکنید حالا اگر ما به سمت خدا نرفتیم کار خدا کساد است! نه خیر آقا، خیلی هم آباد است! آباد!! هیچ نیازی به ما ندارد، هیچ! ابداً! می‌گوید صد هزاران مثل تو برفتند پی کارشان! اصلاً نیم‌نگاهی هم به شما نمی‌کند! اما نه، هستند افرادی که به ما روی می‌آورند و ما هم با تمام وجود به آنها روی می‌آوریم.

اظهار عجز و بندگی

بنابراین این معنا را در روز عرفات بگوییم که ما در دستگاه خدا حساب نداریم! برای خودمان دکان‌داری نکنیم و کتاب و مکتب راه نیندازیم و با کوله‌بار به آنجا نرویم. آنجا متاع بی‌چیزی می‌خرند، متاع عبودیت می‌خرند، متاع ندانم‌کاری می‌خرند، متاع پشیمانی و توبه می‌خرند، آنجا این‌طور است. اگر بخواهیم با خودمان [چیزی] ببریم، آنجا خریدار ندارد! آنجا این مسائل خریدار ندارد و چه بسا ممکن است افرادی که برحسب ظاهر خیلی دارای عنوان هستند و حتی عناوین دینی و الهی دارند، چندان به آنها توجه نمی‌شود! اما به فردی

۱. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۰۹؛ عوالی اللّٰثالی، ج ۲، ص ۹۳.

۲. مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۱۳:

«ثنا أبو صالح قال سمعت أبا هريرة يقول قال رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم: قال الله عزّوجلّ: ... من تقرب إلى شبرا

تقربت إليه ذراعا و من تقرب إلى ذراعا تقربت إليه باعا...»

که گوشه و کنار است و سر به زیر است و خیلی مطرح نیست و هیچ کس به او اعتنا نمی کند، به او توجه می شود! خلاصه، آنجا چنین حساب و کتابی است.

پس رفقا که در این مدت با مکتب بزرگان آشنا شده اند، خودشان می دانند که دیگر کم کاری خسارت است! حالاکه ما مطلب را فهمیدیم و مسئله را یافتیم و حقیقت مطلب به دست آمده است، دیگر اگر بخواهیم وقت خود را به مطالب متفرقه و این طرف را دیدن و آن طرف را دیدن و حرف های اجتماعی و این چه کرد و آنچه کرد و آنجا چه خبر است و اینجا چه خبر است بگذرانیم [موجب خسارت است!] رفقا، دیگران گذراندند و خسارت آن را هم دیدند و صدها سال بر این قضیه گذشت و تاریخ هم چنان می گذرد! زرنگ و رند و کیس آن کسی است که بیاید و تجربه افراد خاسر را دیگر دوباره تجربه نکند؛ بلکه به همان مطالبی که بزرگان فرموده اند عمل کند تا اینکه خودش نتیجه را ببرد و آنچه را هم که برای ما بیان می کند گواه و تأیید همین مسئله است.

پرسش و پاسخ

حال آن [سؤالاتی] را که الان رفقا دادند را ببینم که در چه حدی است و برحسب فرصت در وقت اگر مطلبی به نظر می رسد خدمت رفقا عرض می کنم.

احکام بانوان در حج

سؤال: در مورد سنّ یائسگی، چه سنّی می باشد؟

جواب: سنّ یائسگی برای هاشمی و غیرهاشمی متفاوت است؛ پنجاه سالگی و شصت سالگی برای غیرهاشمی و برای هاشمی است. ولیکن اگر انسان به واسطه مرض یا به واسطه طبیعت خود فرد به حدّی برسد که دیگر اوقات عادت برای او منتفی شود، سنّ یائسگی او همان خواهد بود! اگر از سی سالگی یا چهل سالگی یا پنجاه سالگی دیگر خون ندید و این مسئله قطع شد، برای او همان [زمان] سنّ یائسگی است. ولی به طور معمول برای افراد عام، پنجاه سالگی و افراد سید و هاشمی شصت سالگی است؛ مگر اینکه به واسطه خوردن بعضی از داروها و تقویت بعضی از غدّد، این سن بالاتر برود و تجاوز کند، که باز در این صورت سنّ یائسگی بالا خواهد رفت. علی کلّ حال متعارف آن همین قدر است که عرض کردم؛ ولی برحسب اختلاف مزاج ها و شواکل و همین طور مسئله داروها و مسائلی که در طول زندگی برای انسان پیش می آید، ممکن است تغییر پیدا کند.^۱

سؤال: چنانچه فردی در ایام حج یائسه باشد، چه حکمی دارد؟ اگر خونی ببیند چه حکمی دارد؟

^۱ رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۳۵ - ۳۳۷.

جواب: طبعاً باید استحاضه بگیرد و نماز و طواف او صحیح است و می‌تواند داخل در مسجد الحرام بشود، منتهی باید احکام استحاضه قلیله و متوسطه و کثیره را در اینجا رعایت کند.

سؤال: با توجه به نوارهای جنابعالی، در وقوف در مشعر و جمع کردن سنگ‌ها از مشعر، بعضی از کاروان‌ها این اجازه را به خانم‌ها نمی‌دهند که حتی از اتوبوس پیاده شوند تا هم چند قدم راه بروند و یا سنگ جمع‌آوری کنند؛ تکلیف چیست؟

جواب: در این حال اگر محرمی در خود کاروان دارند می‌توانند از آن محرم استفاده کنند و بگویند از مشعر برای ما سنگ جمع کن، اشکالی ندارد! و فردا که روز منی است این سنگ‌ها را به او تحویل بدهند که برود سنگ بزند و رمی کند؛ و یا اگر نمی‌توانند، آن سنگ‌ها را به نایب بدهند که از طرف آنها رمی کند. اگر شوهر دارند، برادر دارند، محرم دارند، و یا حتی آشنایی دارند - ممکن است یک مرد آشنایی باشد - برای او هم سنگ جمع کنند. سنگ جمع کردن از مشعر بسیار مستحب است و رفقا این را ترک نکنند! الآن می‌گویند از خود مکه سنگ جمع کنید! رفقا بدانید سنگی که از مکه جمع می‌کنند چون از حرم خارج می‌شود اشکال دارد! چون انسان نباید سنگ حرم را از حرم خارج کند؛ گرچه نیت او این است که بعد دوباره برگرداند و در منی رمی کند، ولی خارج کردن سنگ از حرم حرام است! می‌گویند سنگ را در مکه، از همان کوه‌های نزدیک خیابان‌هایی که فاصله دارد جمع کنید و حتی می‌گویند سنگ‌ها را هم بشکنید! شکستن سنگ کراهت دارد و آن سنگی که برای رمی است نباید شکسته باشد و باید سالم باشد، یعنی همین قدر که شکسته نباشد؛ و اندازه آن هم به اندازه یک نخود باشد کافی است! بیشتر نباشد که موجب اذیت دیگران و ایذاء آنها هم نشود. و بهتر است که سنگ‌ها سنگ‌های مُنَقَّش باشد، یعنی نقطه نقطه باشد. و این سنگ‌ها از مشعر جمع شود! بیرون بردن سنگ به عرفات، چون عرفات خارج از حرم است، شرعاً ایراد دارد! بنابراین رفقا از مکه سنگ جمع نکنند، بلکه از مشعر سنگ جمع کنند و حتی از خود منی هم می‌شود! اگر کسی از مشعر نمی‌تواند، از خود منی جمع کند، البته نه سنگ‌هایی که استعمال شده است، نه! سنگ‌ها باید بکر باشند و استعمال نشده باشند. انسان می‌تواند از همین بیابان‌های خود منی هم سنگ‌ها را جمع کند! در مشعر بهتر است و خوب است که انسان به افراد دیگر توصیه کند که برای او جمع‌آوری کنند.^۱

سؤال: در مورد خانم‌هایی که عذر دارند و شما فرمودید از یک درب مسجد شجره وارد و از درب دیگر خارج شوند، با توجه به شلوغی مسجد نمی‌شود از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد و به خاطر زیادی جمعیت ممکن است در آنجا وقوف حاصل شود؛ لطفاً توضیح دهید.

^۱ رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۱ - ۳۴ و ۵۹.

جواب: نه، آن قدر شلوغ نیست که این کار را هم نشود کرد! نه خیر، انسان می تواند این را انجام بدهد و جمعیت خیلی آن چنان نیست و تا به حال سابقه نداشته است که به این حد باشد که انسان نتواند انجام بدهد! علی کل حال اگر هم نشد، همان محوطه و محیط مسجد شجره هم برای احرام کفایت می کند و آن افرادی که عذر دارند می توانند در همان خارج از مسجد شجره مُحَرَّم بشوند؛ زیرا در احرام، توقف در خود آن نقطه به خصوص شرط نیست، بلکه محاذی با آن هم برای احرام بستن کفایت می کند.

نماز جماعت در حج

سؤال: در مورد نمازهای واجب که شما فرمودید به صورت فرادی ولی در صف آنها باشید، نظر جناب عالی به این صورت بهتر است یا اینکه به صورت فرادی و به تنهایی بخوانیم؟

جواب: نه، بهتر این است که اگر چنانچه در موقع نماز با آنها هستیم، همان نماز را به آن شکل بخوانیم، یعنی نیت اقتدا نمی کنیم و فقط در فعل اقتدا می کنیم، یعنی او به رکوع می رود انسان هم به رکوع می رود، او بلند می شود انسان هم بلند می شود، ولی فرادی می خواند! و ما آن حمد و سوره را آهسته بدون اینکه مخالف با تقیه باشد انجام می دهیم.

سؤال: آیا در مسجد الحرام و مسجد النبی نمازهای مستحبی، نماز حضرت امیرالمؤمنین یا فاطمه زهرا را می توانیم بخوانیم یا فقط نمازهای یومیّه واجب؟

جواب: نه، اشکال ندارد؛ می شود هر نمازی را خواند.

سؤال: آیا می توانیم نوافل را هم بخوانیم؟

جواب: بله، نوافل را هم می شود در آنجا خواند. البته رفقا این را بدانند که در هر جای مکه و مدینه می شود نماز را تمام خواند و این طور نیست که فقط اختصاص به مسجد النبی داشته باشد! در هر نقطه از مدینه، چه مدینه قدیم و چه مدینه جدید [نماز تمام است] و حتی توسعه پیدا کرده است، به خصوص در مکه! مکه قدیم و جدید ندارد.^۱ و این مسئله در مورد احرام هم هست؛ ما می توانیم از هر نقطه از مکه محرم بشویم، هم مکه قدیم و هم مکه جدید، هر دوی آنها از این نقطه نظر تفاوتی نمی کند. حالا بعضی ها احتیاط می کنند که در همان مکه قدیم که نزدیک مسجد الحرام است احرام ببندند، آن مطلبی است؛ ولی اگر نشد اشکالی ندارد. در تمام مکه نماز تمام است، گرچه انسان می تواند قصر هم بخواند، ولی تمام است. در تمام مدینه هم نماز تمام است و اختصاصی به مسجد النبی ندارد. و خصوصیتی در مکه هست و رفقا این مطلب را بدانند که دیگر در مکه، جلو بودن مرد شرط نیست و این فقط اختصاص به مکه دارد! اگر مرد جلوی زن باشد، یا زن جلوی مرد

^۱ رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۵۲۴ - ۵۳۴.

باشد و یا مساوی باشند، هیچ کدام اینها تفاوتی نمی‌کند؛ لذا هم مردها و هم خانم‌ها می‌توانند با خیال راحت در مسجد الحرام چه نماز واجب و چه نماز مستحبی خود را بخوانند و در صورتی که زن هم جلوی آنها باشد هیچ اشکالی ندارد!^۱ این فقط مخصوص مکه است و مدینه این طور نیست؛ باید در مدینه لحاظ شرایط بشود.

قرآن خواندن در حج

سؤال: خواندن قرآن که تأکید زیادی شده است، آیا با توجه به معنا بخوانیم؟ که در این صورت وقت بیشتری لازم است و ممکن است یک جزء یا بیشتر نتوانیم بخوانیم؛ یا اینکه یک جزء کامل بدون معنا بخوانیم؟ کدام بهتر است؟

جواب: نه، توجه زیاد به معنا نکنید؛ بلکه در آنجا نفس خواندن قرآن ملاک است^۲ و این نحوه قرآن خواندن با آن قرآن یومیه‌ای که رفقا می‌خوانند فرق می‌کند.

زیارت حضرت رسول و ائمه

سؤال: آیا برای زیارت ائمه و حضرت رسول باید اذن دخول را بخوانیم؟

جواب: بله؛ بهتر است که انسان اذن دخول را بخواند.^۳

سؤال: به محض دیدن کعبه افضل است که چه چیزی بخوانیم؟

جواب: چیزی لازم نیست! انسان **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید.

سؤال: استفاده از پماد یا کرم به علت ناراحتی پوستی در حال احرام چگونه است؟

جواب: بهتر است که پماد و کرم معطر نباشد، و اگر حتماً زدن پماد یا کرم معطر الزامی است،

در این صورت بهتر است که بعد از اعمال - چه در آنجا و چه در اینجا - یک گوسفند به فقرا بدهد؛ البته بهتر است و واجب نیست! در صورتی که برای او [مانعی] باشد واجب نیست، بلکه بهتر است.^۴

سؤال: غسل طواف کفایت از وضو می‌کند؟

جواب: بله، کفایت می‌کند و احتیاج به وضو نیست.^۵

غار حراء و جبل الرحمة

سؤال: رفتن روی کوه در عرفات چه صورت دارد؟ بهتر است بالا برویم؟

۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۳ و ۱۲۶.

۲. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۸۸ - ۲۹۰ و ۴۰۳.

۳. رجوع شود به المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۵.

۴. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۴۷؛ ج ۱۳، ص ۱۵۰ - ۱۵۳.

۵. جهت اطلاع از روایات دال بر کفایت غسل از وضو مطلقاً، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۴۴ - ۲۴۶.

جواب: نه خیر، رفتن بالای کوه در عرفات کراهت دارد؛ سنی‌ها بالا می‌روند. بهتر است که انسان رو به قبله در سمت چپ بایستد و دعای روز عرفه را آنجا بخواند.^۱ خلاصه رفقا باید ارج و قیمت آنجا را خیلی بدانند.

سؤال: رفتن به غار حراء چه صورت دارد؟

جواب: خوب است! خیلی خوب است و اگر کسی می‌تواند، برود؛ آنجا متذکر جایگاه پیغمبر و آن حالات و خصوصیات بشود و خلاصه ارتباط برقرار کند. خیلی خوب است. البته بهتر است که انسان صبح قبل از طلوع فجر برود، چون بعد از طلوع فجر دیگر کم‌کم شلوغ می‌شود و زیاد افراد می‌روند؛ بهتر است در آن‌موقع برود تا اینکه به شلوغی آنجا برخورد نکند.

شک در طواف

سؤال: اگر در بین طواف در تعداد دورها شک کردیم تکلیف چیست؟

جواب: انسان باید در مورد طواف به حد متیقن رجوع کند. البته اگر برای انسان قبل از نیم‌دور کامل، یعنی قبل از سه شوط و نیم شک پیدا شود و نتواند به هیچ‌وجه شک را برگرداند، باید طواف را از اول شروع کند؛ و اگر بعد از سه دور و نیم است به همان حد متیقن عمل می‌کند و به آن مقداری که یقین دارد عمل می‌کند و طواف را ادامه می‌دهد.^۲

احکام غسل

سؤال: آیا با یک غسل می‌توان چند نیت کرد؟

جواب: بله، ایرادی ندارد.

در حج چه ذکر می‌گوییم؟

سؤال: اگر ممکن است راجع به ذکرهای مربوط به این ایام و هم‌چنین آیهٔ سورهٔ بقره که در نوارهای قبلی فرموده بودید و قابل شنیدن است، دوباره توضیح بفرمایید.

جواب: این مطالب را بنده عرض کرده‌ام و چندمرتبه هم عرض کرده‌ام. ذکرهای این ایام، یکی اذکار توحیدیّه حضرت موسی است، لا إله إلا الله، و در مفاتیح هم نوشته شده است^۳ و ایرادی ندارد که انسان آنچه را که در آنجا هست بخواند.

سؤال: در مکه و مدینه در ایام غدیر کجا و به چه کاری اشتغال داشته باشیم بهتر است؟

۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۳۴ و ۵۳۵.

۲. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۵۹ - ۳۶۳.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۲۵۲؛ ثواب الأعمال، ص ۷۲.

جواب: تفاوتی نمی‌کند. آنجا و اینجا ایرادی ندارد. بهتر است که انسان در همان اماکن متبرکه باشد.

برخی از احکام دیگر بانوان در حج

سؤال: آیا می‌توان قبل از رفتن به عرفات، یعنی حدود روز پنجم تا ششم ذی‌الحجه اعمال طواف نساء را انجام بدهیم؟ تا اگر عذر حاصل شد اعمال را [انجام داده باشیم].

جواب: نه خیر، انسان باید صبر کند و بعد انجام دهد؛ جایز نیست که قبل انجام بدهد.

سؤال: اگر ممکن است حضرت عالی نظرتان را نسبت به حکم شرعی مصرف قرص‌های ضد بارداری بفرمایید.

جواب: نیازی به مصرف این قرص‌ها نیست، بلکه بهتر است انسان همان‌طوری که خداوند برای زن تقدیر کرده است، همان‌طور انجام بدهد. بنده تضمین می‌کنم اگر کسی این قرص‌ها را نخورد به اندازه سر سوزنی از ثواب او کاسته نخواهد شد و طبق دستور انجام داده است و انسان بدون هیچ‌گونه مشکلی می‌تواند آنها را انجام بدهد! چرا انسان از آن مسیر طبیعی و مجرای طبیعی که خداوند تقدیر کرده است بیرون بیاید و چرا برای خودش تکلیف جدیدی درست کند و بخواهد دلخواه انجام بدهد؟! خداوند گفته است که باید زن به این قسم تکالیفش را انجام بدهد؛ احرام نیازی به طهارت ندارد، رفتن در صفا و مروه نیازی به طهارت ندارد، رفتن به عرفات و مشعر و منی و رمی نیازی به طهارت ندارد؛ فقط آنچه که احتیاج دارد طواف و نماز طواف است، همین! دیگر سایر امور احتیاج به طهارت ندارد؛ و آن هم انسان می‌تواند به تأخیر بیندازد و انجام بدهد، اگر چنانچه تا وقت حرکت توانست انجام بدهد انجام بدهد، و الاً شخصی را نائب می‌کند و از طرف او انجام می‌دهد. علی‌کل‌حال وقتی مطلب به این سهلی است، چرا انسان بخواهد خود را گرفتار کند و بخواهد تکلیف خود را عوض کند؟ پس بهتر این است که انسان از این قرص‌ها استفاده نکند و آنچه را که خداوند برای او تقدیر کرده است، همان را بپذیرد که اگر قرار باشد عنایت و موهبتی از جانب خدا باشد، پس بهتر است که انسان امور را به خود او واگذار کند تا بتواند به فیض بیشتری نائل باشد.^۱

سؤال: شوهرم بنده را امر کرده است که قبل از فرا رسیدن اعمال حج واجب بنده شروع به خوردن

قرص‌های ضد بارداری کنم تا رضایت ایشان جلب شود!

جواب: رضایت خداوند بر رضایت شوهر مقدم است.

نماز میت در حج

سؤال: نماز میتی که آنها بر مرده‌هایشان بعد از نماز واجب می‌خوانند، ما در آن وقت چه کار کنیم؟

^۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ - ۴۶۶.

جواب: شما می‌توانید در همان وقت نماز میّت را اقتدا کنید، ایراد ندارد.

احکام و آداب متفرقه حج

سؤال: باید طواف و سایر اعمال برای اطاعت خداوند انجام شود و از ریا و خودنمایی به دور باشد، حال اگر قصد ما از انجام عمل ریا نباشد، یعنی در نیت عملمان این نیست که در نماز یا طواف یا سایر اعمال عبادی ریا کرده، ولی همیشه در هنگام انجام عمل این مسئله با ما همراه است که نکند ریا شود و گاه از ترس اینکه نکند این مسئله ریا باشد حتی برعکس نماز را سریع‌تر انجام می‌دهیم!

جواب: در اینجا نباید انجام بدهیم؛ خود همین تصوّری که در موقع نماز می‌کنیم شیطان است! یعنی همین که تصور می‌کنیم: «نکند ریا باشد!» خودش شیطان است! بنابراین نفس تصور باطل است و تند خواندن نماز هم باطل است و هرچه را که بر آن مترتب است همه باطل در باطل است! به محض اینکه این تصور می‌شود که: «نکند ریا باشد!» باید بدانیم که این تصور را شیطان انداخته است و نباید توجه کنیم و باید دنبال اعمال و دنبال کارمان باشیم.

سؤال: آیا لازم است که به هر کدام از محل‌های مقدّسه، اعم از مسجدالحرام و طواف به دور آن یا سعی و عرفات رسیدیم، به اسرار باطنی هر محل و هر عمل نیز فکر کنیم و خود را متمرکز در آن کنیم یا فقط به خدا فکر کنیم؟

جواب: عرض کردم؛ نه، نیاز نیست که انسان مدام فکرش را نسبت به این قضایا [متمرکز کند!] اگر بداند که خوب است، بالأخره این مطالب را هم در ذهن به همراه داشته باشد؛ اما اینکه فقط بنشیند و ذهنش را متمرکز کند و خودش را به اذیت بیندازد، نه! ما به این کیفیت تکلیف نداریم.

سؤال: فرمودید که انسان [وقتی که] از مگه برمی‌گردد، این حالت را با خودش نگه دارد؛ در ارتباط با دیگران چه کار کنیم؟ هرچقدر که ارتباطمان را با دیگران کم کنیم ولی در مورد دیدار پدر و مادر که سفارش شده است، [ولی] غیبت می‌کنند و از مسئله غیبت ناراحت هستیم؛ چه می‌شود؟

جواب: دیگر بنده متعهد مطالب و ارتباطات افراد نیستیم! آنچه را که بنده عرض می‌کنم، آن چیزی است که به نظر می‌رسد و پیاده کردن این مطالب دیگر برعهده بنده و امثال بنده نیست. انسان باید حال خودش را حفظ کند، دیدن پدر و مادر هم لازم است، حالا آنها غیبت می‌کنند لازم نیست که انسان برود با غیبت آنها همدم بشود و دو تا هم خودش روی آن بگذارد! آنها در آن مجلس غیبت می‌کنند، انسان یک سلامی می‌کند و یک علیکی می‌کند و مدتی می‌نشیند و بلند می‌شود می‌آید! این رفتن و همرنگ شدن و نشستن باعث می‌شود که انسان کدورت پیدا کند و آن یافته‌های خود را از دست بدهد؛ و انسان می‌تواند ترتیبی بیندیشد تا اینکه کمتر در معرض این گونه مسائل قرار بگیرد. علی‌کلّ حال انسان باید ارزش و قیمت این حالات را بداند و خلاصه،

به این زودی و به این مجانی اینها را از دست ندهد.

سؤال: نماز شب عرفه چگونه است؟ شکسته است یا کامل؟ ظهر عرفه به چه صورت است؟

جواب: آنچه را که فعلاً در عرفات انجام می دهند و بنده دیده ام، نماز را تمام می خوانند؛ به این لحاظ که می گویند: «وقتی ما به مکه می آییم، قصد مکه و اطراف می کنیم به یک عنوان! بنابراین چون ده روز می مانیم عرفات هم جزء قصد ما حساب می شود؛» ولی این طور صحیح نیست! کسی که در یک جا قصد کند، حتی اگر ده روز هم مانده باشد وقتی که یک شب خارج بشود قصد آن ده روز شکسته می شود! البته این نظر همه نیست. بنابراین نماز شب عرفه تمام است، چون هنوز آن قصد مکه به حال خودش باقی است؛ ولی وقتی که یک شب را خارج از مکه به سر بردیم، از فردا نماز شکسته می شود! بنابراین نماز ظهر و عصر شکسته است، نماز مشعر هم شکسته می شود، نماز منی و تمام اینها هم شکسته می شود.

قربانی در حج

سؤال: آیا اگر خودمان برای قربانی برویم، در رسیدن به سر باطن مؤثر است؟

جواب: قضیه فرقی نمی کند؛ البته بهتر است که در وهله اول خود حاجی قربانی کند و اگر نمی تواند، دستش را روی دست ذابح بگذارد و خودش [قربانی را] انتخاب کند، همه اینها مستحب است و بهتر است که انسان نیابت ندهد؛^۱ ولی فعلاً با شرایط فعلی کاری جز نیابت نیست! بنابراین خوب است که انسان روی این مسئله خیلی توجه و اصرار نکند. الآن مسائل فرق و تفاوت کرده است.

سؤال: فرمودید کسی که می تواند پول بدهد باید اسم بنویسد و منتظر رسیدن نوبت برای حج نشود، سؤال می کنند که آیا این طوری حقی از دیگران که در نوبت هستند ضایع می شود یا در غیر این صورت به چه نحو است؟

جواب: ضایع شدن حق از هر شخصی به هر نحوی باطل است و اگر بخواهد حجی به این نحو انجام شود، حج او باطل است! یعنی اگر الآن کسی خارج از نوبت برود، چه سفارش و چه غیر سفارش، دیگر ما نمی دانیم به چه نحوی است، و این مسئله موجب شود که نوبت افرادی که در نوبت هستند به تأخیر بیفتد، این حج باطل است! بله، اگر شخصی متمکن است و می تواند بدون طریق عادی و ظاهری به حج برود، اگر صد میلیون هم شده باید بدهد! این حرف، مطلبی است که بنده عرض کردم؛ کسی که متمکن است ولو یک میلیارد هم بدهد، نمی تواند به تأخیر بیندازد و طبق نوبت بخواهد برود! باید برود و خود استطاعت اقتضا می کند که حج را انجام بدهد. بله، اگر از آن طریق نشد و از طریق معمول شد، نباید حق دیگران را تضییع کند! اگر

^۱ رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۰ - ۱۵۲.

بکند، حجّ او باطل است! باید صبر کند که به نوبت برسد.

سؤال: نماز زیارت ائمهٔ بقیع قبل از زیارت خوانده شود یا بعد از آن و در کجا خوانده شود؟

جواب: نماز زیارت بعد از زیارت است و انسان در هر جا بخواند اشکال ندارد؛ انسان می تواند ائمهٔ بقیع را زیارت کند و بعد بیاید در خود مسجدالنبی نماز زیارت بخواند. خوب نیست که انسان پشت بقیع - چطور اینکه مشاهده می شود! - نماز بخواند، چون این موجب صحبت است و چهرهٔ خوبی هم ندارد و موجب ازدحام و... است و حق هم دارند.

سؤال: کمربندی که داده اند تا زیر لباس احرام و برای نگه داشتن آن ببندیم و پرس و چسبی است،

اشکال دارد یا خیر؟

جواب: نه، اشکالی ندارد.^۱

سؤال: اگر زن در میقات حائض باشد و می داند که تا پایان وقت عمرهٔ تمتع پاک نمی شود، به چه نیتی

مُحرم شود؟

جواب: نیت فرق نمی کند و نیت، همان نیت احرام و همان نیتی است که همه می کنند.

سؤال: اگر زمان حج فرا برسد و در عذر باشد چه نیتی کند؟

جواب: در آن موقع، آن احرام متبدل به حج می شود بدون نیت دیگر! همان احرام او متبدل به حج

می شود، بعد می رود و اعمال حج و عرفات و منی و مشعر را انجام می دهد و بعداً می آید اعمال آن عمره را

به اضافهٔ اعمال حج انجام می دهد و هیچ اشکالی هم پیش نمی آید.^۲

سؤال: آیا زن به صرف اینکه پس از پایان هفت روز از حیض در ظاهر و لباس پاک باشد، همین کفایت

می کند یا اینکه باید بررسی هم کند؟

جواب: نه، اگر وقت او مشخص است و عادت او عادت وقتیه است، به صرف اینکه پاک شد کفایت

می کند و تفحص و... هم لازم نیست.^۳

سؤال: اگر در مکه یا مدینه در هتل نماز بخوانیم، باید کامل خواند یا شکسته؟

جواب: عرض کردم که می شود نماز را در مکه و یا مدینه، در هر نقطهٔ آن تمام خواند.

سؤال: آیا می توانیم روزه بگیریم؟

جواب: نه خیر، روزه فرق می کند؛ انسان می تواند در جایی روزه بگیرد که قصد ده روز کند! گرچه نماز

۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

۲. جهت اطلاع از احکام مربوط به زنان دارای عذر در انجام مناسک حج، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ - ۴۶۶.

۳. جهت اطلاع از احکام حائض، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۷۱ - ۳۶۹.

تمام است ولی مسئله روزه با نماز فرق می کند.

سؤال: در مورد چراغانی کردن و پلاکارد زدن حاجیان پس از بازگشت چه نظری دارید؟

جواب: البته اشکال ندارد و مسئله ایرادی ندارد، ولی امروزه این قضیه و مطلب به چشم و هم چشمی و اعتبارات و... رسیده است و هرچه چراغانی بیشتر باشد و قربانی بیشتر باشد [بیشتر موجب چشم و هم چشمی است!] الآن به این وضعیت و به این کیفیت است؛ برای اینکه دیگران متوجه بشوند که حاجی آمده است ایراد ندارد، ولی نباید به نحوی باشد که تداعی شود این مطلب و قضیه در این باب دارد جلو می رود! البته بنده در زمان مرحوم آقا ندیدم که ایشان به کسی توصیه کرده باشند که این کار را انجام بدهد و روی این حساب بهتر است که ما هم دست از این مسائل برداریم.

شک در اعمال حج

سؤال: آیا با شک به اینکه نماز طواف اشکال پیدا کرده است می توانیم دوباره اعاده کنیم؟

جواب: نه خیر، اعاده کردن نیاز نیست، بلکه وسوسه شیطان است! اگر بعد از نماز برای انسان شک پیدا شود، مثل نماز صبح و مغرب و عشا است و چطور انسان نباید به شک بعد از نماز اعتنا کند، نماز طواف هم همین است. این را رفقا بدانند که هیچ فرقی به اندازه سر سوزنی بین نماز طواف و نماز صبح نیست و یک سر سوزن تفاوت نمی کند! نماز صبح را چطور می خوانیم؟ شک می کنیم؟ شبهه می کنیم؟ وسوسه و خیال برای شما پیدا می شود؟ نه! نماز را می خوانید و بعد هم می روید سر صبحانه یا مشغول سوره یس و دعای صباح می شوید و دیگر هر کسی [به دنبال کار خود است؛] این هم همین است و فرقی نمی کند! این هم نماز است.

اینکه آمده اند نماز طواف را در یک وضعیت خاصی قرار داده اند و گولی از آن درست کرده اند، تمام اینها چرندیات است! چرند در چرند است! صاف دارم خدمت شما می گویم! تمام اینها همه خلاف است! نماز طواف عین نماز صبح می ماند، حمد و سوره آن همان است، خیلی به خودتان فشار نیاورید! [اینکه متوجه باشید] مخارج را رعایت کنید، همه اینها شما را از خدا دور می کند! انسان باید در نماز به خدا توجه داشته باشد! مطلب مرحوم آقا در روح مجرد را خوانده اید که آقای حداد چه گفتند؟^۱ همین را در نماز طواف انجام بدهید! نه به «عین» آن نگاه کنید، نه به «ضاء» آن نگاه کنید، نه به «طاء» آن نگاه کنید و نه ﴿وَلَا أَلْضَاءَ لَيْنَ﴾^۲ را بیچانید و بالا ببرید! تمام اینها [انسان را از خدا دور می کند!] بله، باید انسان قرائت خودش را تصحیح کند و این چه در نماز صبح و چه در نماز طواف، در هر دو لازم است! تصحیح کردن قرائت یک مطلب است و انصراف از معنا و توجه به پروردگار به لفظ یک مطلب دیگر است! این باطل است و آن واجب است؛ انسان

۱. روح مجرد، ص ۱۶۱ - ۱۶۴.

۲. سوره فاتحه (۱) آیه ۷.

باید مخارج را صحیح ادا کند، انسان باید الفاظ را صحیح ادا کند، اما نه اینکه موقع مکه به خاطر مسائلی و به خاطر ترس از چیزهای دیگری تازه به یادش بیفتد و بخواهد سراغ الفاظ و سراغ مخارج حروف و... برود! نه خیر، همین الآن هم لازم است که ما الفاظ را تصحیح کنیم و تجویدمان را تصحیح کنیم و مخارج حروف را بشناسیم و تمام اینها برای نماز لازم است؛ ولی نماز طواف هیچ فرقی به اندازه سر سوزن ندارد! در موقعی که می‌خواهید نماز طواف بخوانید فقط به خدا توجه کنید و بس! اینکه چه دارید می‌گویید و حمد را چگونه خواندید و... تمام اینها همه وساوس شیطان است. و هرچه هم بیشتر طول بکشد بهتر است، سوره‌های بزرگ بخوانید، البته اگر اقتضا می‌کند، و الا در آنجا شلوغی و... برای سوره‌های کوچک هم مجال نمی‌دهد که انسان بخواند! ولی علی‌کل حال اگر کسی جایی پیدا کرد و سوره‌ای که می‌خواند بزرگ‌تر باشد چه بهتر! در قنوت هر دعایی که دلتان می‌خواهد بکنید، خیلی با حالت باز و با حالت گسترش، فقط و فقط توجه به پروردگار [داشته باشید] و بدون وسوسه خاطر و بدون تشویش و بدون تردید [به اعمال پردازید] و بدانید که تمام اینها به جای اینکه شما را به خدا نزدیک کند دارد دور می‌کند! حقیقت مسئله همین است.

سؤال: آیا می‌توانیم برای وضو به جای اینکه آبروی دستمان بریزیم، دستمان را زیر شیر آب بگیریم و بعد مسح بکشیم؟

جواب: ایراد ندارد.^۱

سؤال: مقداری وجوهات شرعی بدهکار هستیم، بعد از حساب کردن چقدر برای پرداخت آن وقت داریم؟

جواب: دیگر هر کسی خودش می‌داند.

بهترین عمل برای پدر و مادری

سؤال: بهترین عمل برای پدر و مادری که از دنیا رفته‌اند چیست؟

جواب: بهترین عمل این است که انسان آنها را در عمل خودش شریک قرار بدهد؛ یعنی بگوید خدایا، ثوابی از این اعمال من برای آنها هم بفرست! انسان بهتر است برای آنها دعا کند، انفاق کند، کمک به فقرا کند، نماز بخواند، طواف انجام بدهد، اینها اموری است که ثواب و نتایج آن به آنها عائد خواهد شد.

سؤال: اگر گوسفند را با ماشین آلات برای قربانی سر ببرند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که «بِسْمِ اللَّهِ» گفته شود ایراد ندارد.

سؤال: اگر خانمی مُحْرَم بود و عذر شرعی برای او پیدا شد و وقت داشته باشد که خودش اعمالش را

^۱. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۷ - ۴۰۰.

انجام دهد، آیا به علت سختی محرم بودن، می‌تواند نایب بگیرد و یا بهتر است صبر کند و خودش اعمالش را انجام بدهد؟

جواب: اصلاً جایز نیست که نایب بگیرد و حرام است! وقتی کسی می‌تواند صبر کند، باید صبر کند. مُحرم بودن که سختی ندارد، چیزی نیست! پوشش خانم‌ها هم که همان پوشش معمولی است، چادر و همین لباس معمولی است که می‌پوشند. اتفاقاً باید ما این را هم بدانیم که هر مقدار وقت احرام در ما بیشتر باشد، فیض بیشتر به انسان می‌رسد! چون انسان خودش را بیشتر در حضور می‌بیند. همین که شما احرام بستید، آیا توجه به تحولی که در شما پیدا شده است نمی‌کنید؟ یک تحول و تأییدی [احساس می‌کنید که] با نیم‌ساعت قبلتان فرق کرده‌اید! همین تحول هرچه بیشتر باشد، بیشتر فیض می‌رسد و نتایج آن هم بیشتر خواهد بود. بنابراین طبعاً باید خانم‌ها بیشتر صبر کنند تا اینکه عذرشان برطرف شود و بعد بروند اعمالشان را انجام بدهند. و باید بگوییم که چه سعادت‌ی از این بالاتر که خداوند کاری کرده است که انسان خودش را بیشتر در حال حضور احساس کند!

سؤال: اگر خانمی عادت متغیّر دارد و با یقین بر اینکه مدت عذر او تمام شده است، مثلاً در روز هشتم عادتش، اعمال خود را انجام دهد و در روز نهم دوباره آلوده شود، وظیفه او چیست؟

جواب: اگر یقین دارد که روز نهم همان عادت است، باید اعمالش را دوباره تکرار کند.^۱

سؤال: اگر کسی تکیه کلامی دارد که دیگران آن را فحش می‌دانند، ولی قصد او فحش دادن نیست و بی‌اختیار از دهان او بیرون می‌آید، آیا باید گوسفند بکشد؟

جواب: نه، نیازی به کشتن گوسفند نیست؛ ولی باید ملاحظه کند که آن تکیه کلام را عوض کند و مراقبت کند تا اینکه این عادت برای او تغییر پیدا کند.

احکام نیابت

سؤال: این جانب از رفقای طهران هستم و شوهر بنده امسال عازم خانه خدا هستند و به جای پدر شوهرم می‌روند (یعنی به جای پدرشان می‌روند)، پدر شوهر بنده پارسال اول دی‌ماه به رحمت خدا رفته است و امسال که نوبت مشرف شدن ایشان به اتفاق همسرشان بود، قسمت ایشان شده است؛ بفرمایید وظیفه شوهر بنده چیست؟

جواب: اگر برای شوهر ایشان حج واجب شده است، جایز نیست از طرف پدرشان بروند و باید اول خودشان بروند! این فردی که می‌خواهد از طرف پدر به مگه برود، در صورتی می‌تواند نیابت از طرف پدر

^۱ . جهت اطلاع از احکام مربوط به زنان دارای عذر در انجام مناسک حج، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ - ۴۶۶.

داشته باشد که یا خودش مستطیع نباشد و یا اینکه قبلاً حج را انجام داده باشد؛ اگر شخصی امسال مستطیع است، نباید از طرف پدر برود! اگر برود هم حج پدرش و هم حج خودش باطل است؛ یعنی نه به حساب پدرش حساب می‌شود و نه به حساب خودش حساب می‌شود.^۱ اگر منظور از این نوشته این است باید این شخص به اتفاق همسرشان همان حجی را که نوشته‌اند و ثبت‌نام کرده‌اند بروند.

سؤال: در ضمن نمی‌توانند برای پدرشان نایب بگیرند، زیرا مبلغ هشتصد الی یک میلیون تومان برای نیابت از پدر شوهرم می‌خواهند و این برای شوهرم سنگین است؛ بفرمایید تکلیف چیست؟

جواب: از اینجا معلوم می‌شود که حج برای خود ایشان واجب است و خود ایشان ثبت‌نام کرده‌اند! نه خیر، نباید ایشان از طرف پدرشان بروند و باید از طرف خودشان به اتفاق همسرشان به حج بروند؛ بعد اگر مستطیع شدند از طرف پدرشان هم در سال‌های آینده به نیابت بروند و انجام بدهند (یا خودشان و یا نایب بگیرند).

سؤال: ادب حضور در عرفات و منی و زیارت حرم مطهر رسول و خانه خدا را بفرمایید.

جواب: مطالب عرض شده است و دیگر نیاز به توضیح نیست.

مشاهده جمال نورانی امام زمان

سؤال: دستوری که آیا این چشمان ناسوتی می‌تواند جمال زیبای حضرت حجّة بن الحسن را مشاهده نماید؟

جواب: ملاقات با امام علیه السّلام در اختیار ما نیست، بلکه این مسئله به عنایت خود آن حضرت بستگی دارد. خود آن حضرت با اراده خود و با میل خود، خود را به بعضی‌ها می‌نمایاند و به بعضی‌ها نمی‌نمایاند و انسان نباید به دنبال این باشد که در آنجا بخواهد حضرت را ببیند! عرض کردم که در آنجا فقط باید انسان توجه خود را متمرکز در توحید کند و امام علیه السّلام هم از ما همین را می‌خواهد. حال فرض کنید که انسان در آنجا حضرت را دید، خب چه شد؟ من عکس حضرت را درمی‌آورم و به همه نشان می‌دهم، فرض کنید این عکس حضرت است، خب باز هم ما می‌خواهیم چیز دیگری از حضرت ببینیم؟ خب دیدیم دیگر! خود حضرت در آنجا از شیعیانشان می‌خواهند همان راهی را بروند که خود ایشان برای کمال و برای تربیت شیعیانشان می‌خواهند؛ دستوری که داده شده این است که ما در آنجا در تحت ولایت آن حضرت باشیم و ولایت آن حضرت را که عین توحید است در نظر بیاوریم! اما اینکه دیدن ظاهری را هم قصد کنیم، این را به خود آن حضرت واگذار کنیم؛ اگر عنایت و لطف حضرت شامل حال ما شد، خب حضرت خودشان را یا در

^۱ رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۷۲ - ۱۷۴.

ظاهر یا در خواب و یا به وسیله دیگر نشان می دهند؛ هزار راه هست. و اگر نه، باید بدانیم که این مطلب هیچ ارتباطی به مسئله ما و توفیق ما و حجّ ما و قبولی ما ندارد و آن دیگر مصلحتی است که خود آن حضرت در نظر می گیرند.

سؤال: آیا مداومت ذکر شریف «یا عزیز» و «یا علیم» می تواند ما را کمک کند؟

جواب: بنده اطلاعی نسبت به این مطلب ندارم.

سؤال: موهایی که حلق می شود، لازم است که دفن شود؟

جواب: مستحب است! مستحب است که در همان منی دفن شود.^۱

اذکار توحیدیه

سؤال: وقتی چشمان ما به حرم مطهر افتاد چه ذکر را به زبان جاری کنیم؟

جواب: عرض کردم: ذکر لا اله الا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة الا بالله، این اذکار توحیدیّه و یا

صلوات بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام چیزهایی است که بنده در این مورد به خاطر دارم و همان طوری که ذکر شد باید همه توجهات منحصر به ذات اقدس پروردگار باشد و همان طور که در مطالب گذشته عرض کردم:

مسئله در مدینه فرق می کند، در مکه تفاوت می کند و حتی از مرحوم آقا شنیدم که ایشان می فرمودند:

طوافی را که می خواهید انجام بدهید، این طواف را برای پیغمبر انجام بدهید! به آن شخصی هم که در نیت دارید ثواب خواهد رسید و بیشتر هم خواهد رسید! ولی طواف ها همه برای پیغمبر باشد، نیت برای رسول خدا باشد، نمازی که می خوانید برای رسول خدا باشد؛ عمل در آنجا فقط توجه به خداوند و نیت و ثواب برای رسول خدا است.

این بهترین راهنمایی است که بزرگان نسبت به مطلب کرده اند.

خب امیدواریم که إن شاء الله همه رفقا با این هدف و با این نیت و با این خصوصیات حرکت کنند و

بروند و وارد این دریا بشوند و خلاصه تا جایی که عمق دارد [فرو] بروند! نترسند! خود را رها کنند! خیال

نکنند که آنجا محل برای زیارت بزرگان و اولیای خدا است و ترس آنها را بگیرد که ما در اینجا راه نداریم و ما

در اینجا قابل نیستیم! نه، خودشان را رها کنند تا اینکه از آن نعمات الهی بر آنها بیارد، و هرچه بیشتر سعه خود

را از آن جذبات و از آن انوار بیشتر کنند و تصور نکنند که این حالات و این جذبات و این جلوات برای عده ای

خاص است! نه خیر، خداوند این راه را برای همه باز کرده است و انسان باید خودش را در این دریا بیندازد و

رها کند تا اینکه بتواند با رها کردن آن طائر وصل را در آغوش بگیرد که خداوند متعال این سفر را برای این امر

اختصاص داده است.

باید کاملاً در موقع مراجعت دقت کنیم، باید آن حال و هوا را حتی الامکان در خودمان حفظ کنیم و

^۱ . وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۱۹ - ۲۲۱.

ارتباطات را کم کنیم، حتی صحبت غیر حرام را هم کمتر کنیم، چون خود صحبت کردن مدام از مایه می‌برد و مدام از کیسه انسان خالی می‌کند! ولو صحبت‌های عادی باشد! به مسائل حج فکر کنیم، حالاتی که در آنجا برای ما پیش آمده است را مدام در ذهن بیاوریم، شب‌ها وقتی که می‌خواهیم بخوابیم با همان حال و احوال به خواب برویم؛ همه اینها موجب می‌شود که تأثیرات حج و آن بارقه‌ها و جاذبه‌هایی که خداوند برای زوَّار خودش قرار داده است بتواند بیشتر استقرار پیدا کند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ